

ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری براساس مبانی حکمت متعالیه

سمانه تقدیر

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران. تهران. ایران.

S_taghdir@iust.ac.ir

چکیده

شناخت فرایند خلق و ادراک آثار معماری از مسائل مهم و پیچیده حوزه معماری است و علی‌رغم پژوهش‌های متعددی که در دهه‌های اخیر پیرامون آن صورت گرفته، هنوز برخی از ابعاد این فرایند ناشناخته باقی مانده است. با توجه به اینکه شناخت مناسب از این فرایند می‌تواند زمینه ارتقای کیفیت آثار معماری را فراهم آورد و به حل بسیاری از مسائل پیش روی معماران کمک کند، مسئله پژوهش حاضر بازخوانی ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری براساس مبانی دیدگاه حکمت متعالیه در نظر گرفته شده و برای انجام آن از راهبرد استدلال منطقی استفاده شده است. در این پژوهش ابتدا به تعریف دقیق از انسان، هستی، ابعاد و ظرفیت‌های هر یک پرداخته شده و سپس نحوه تعامل انسان و هستی و بازتاب این رابطه بر فرایند خلق و ادراک آثار معماری براساس مبانی حکمت متعالیه، که شالوده نظری این پژوهش است، مطالعه و بررسی شده است.

همچنین، با توجه به آنکه براساس مبانی حکمت متعالیه، خداوند انسان را در صفت خلاقیت به صورت خود آفریده و متعالی‌ترین خلق نیز عالم هستی است، در این پژوهش فرایند خلق عالم هستی مورد بازخوانی قرار گرفته است و با الگوگیری از آن، ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری در پنج مرحله تبیین

شده است که ارکان اصلی سازنده این ساختار عبارت‌اند از: مرتبه نفس معمار و مخاطب، قوای ظاهری انسان (بینایی، بویایی، شنوایی، چشایی و لامسه) و قوای باطنی او (قوة متصرفه، خیال یا همان خزانه صورت، حافظه یا همان خزانه معنا، حس مشترک و واهمه) در معمار و مخاطب، مقوله‌های سازنده معماری (فرم، کاربرد، معنا، طرح و ساخت، بافت و پیوستگی، روحیه و اراده) و نیازهای چهارگانه انسان (مادی، روانی، عقلانی و روحانی) و در نهایت با شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت این فرایند پیشنهادهایی جهت ارتقای کیفیت آن ارائه شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد با قراردادن مبانی جامع مکتب اسلام به‌عنوان شالوده نظری پژوهش‌های معماری می‌توان به حل مسائل پیچیده در حوزه معماری کمک کرد.

کلیدواژه‌ها: نفس انسان، عوامل هستی، فرایند معماری، خلق، ادراک، حکمت متعالیه.

مقدمه

موضوع «فرایند خلق و ادراک آثار معماری»، از شکل‌گیری و پرورش ایده تا خلق آثار محسوس و ادراک آن، موضوعی مهم و دارای بنیان‌های حکمی و فلسفی است که با اساسی‌ترین پرسش‌های مربوط به ماهیت انسان و هستی در ارتباط است. همین مقوله سبب پیوند حوزه معماری با بسیاری از حوزه‌های علوم انسانی شده است؛ بنابراین، در این فرایند شناخت انسان، به‌مثابه خالق و مدرک اثر، و توجه به جهان هستی، به‌مثابه زمینه و بستر پیدایش اثر، و نحوه تعامل این دو در یک بستر علمی با مبنا قراردادن چهارچوب نظری مشخص اهمیت بسیاری دارد.

در این پژوهش نگارنده در نظر دارد به بازخوانی فرایند خلق و ادراک آثار معماری و عوامل مؤثر بر کیفیت آن با توجه به تعریف انسان و هستی و نحوه تعامل آن‌ها بر شکل‌گیری این فرایند براساس مبانی اسلامی بپردازد.

شالوده نظری پژوهش

در جهت‌دهی به پژوهش‌های حوزه نظری معماری مبانی‌ای که به‌عنوان شالوده نظری پژوهش مدنظر قرار می‌گیرند اهمیت بسیاری دارند، زیرا این مبانی در فرایند شکل‌گیری تحقیق و نتیجه حاصل از آن تأثیرگذار هستند.

مبنای فلسفی این پژوهش: دیدگاه «حکمت متعالیه»

این پژوهش به دنبال شناخت فرایند خلق و ادراک آثار معماری با توجه به نقش ارکان اصلی سازنده این فرایند است که انسان و هستی است؛ از این رو، در بخش‌هایی از آن که تمرکز بر شناخت هستی و عوامل آن، قوا و مراتب ادراکی انسان، نحوه تعامل انسان و هستی، فرایند تحقق افعال و آفرینش‌های انسان است، نیاز است تا تعاریف روشن و دقیق باشند و از آنجا که در برخی از این تعاریف میان فیلسوفان مسلمان اختلاف نظر وجود دارد، باید مکتب فلسفی مشخصی به عنوان مبنا در نظر گرفته شود. از آنجا که در میان مکاتب فلسفی مطرح، مکتب فلسفی ملاصدرا، که با عنوان «حکمت متعالیه» شناخته می‌شود، به شالوده نظری این پژوهش که مبنای اسلامی با رویکرد نظریه «دین حداکثری» است نزدیک‌تر است، این مکتب مبنا قرار گرفته است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

موضوع فرایند خلق و ادراک آثار معماری و نقش تعامل انسان و هستی بر شکل‌گیری این فرایند و بیان این رابطه به زبانی علمی و دقیق همواره در حوزه معماری اهمیت بسیاری داشته است. زیرا انسان خود هم خالق اثر و هم مخاطب اثر است و هستی نیز بستر و زمینه خلق اثر معماری است؛ به عبارتی، معمار با توجه به دیدگاهش درباره انسان و هستی و رابطه آن‌ها با یکدیگر به طراحی محیط و خلق آثار معماری می‌پردازد و مخاطب نیز بر اثر معرفت و دیدگاهش به این دو آثار معماری را ادراک می‌کند.

طی سال‌های اخیر پژوهش‌های فراوانی جهت شناخت انسان و محیط پیرامون او و رابطه این دو و تأثیر این رابطه بر فرایند خلق و ادراک آثار معماری صورت گرفته است که هر کدام از آن‌ها با وجود ارائه دستاوردهای کاربردی با نواقصی روبه‌رو بوده‌اند؛ زیرا محیط پیرامون انسان را به صورت جامع تعریف نکرده و در تحقیقات خود بیشتر متکی به برداشت‌های میدانی و تمرکز بر بازخوانی رفتارهای انسان‌ها بوده‌اند (ر.ک.: لنگ، ۱۳۹۰).

در راستای شناخت رابطه انسان و هستی و تأثیر آن بر خلق آثار معماری و ادراک آن‌ها، براساس مبنای اسلامی نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است که هر یک از منظری خاص به این مقوله توجه داشته‌اند. برخی از این پژوهش‌ها (نصر، ۱۳۷۵؛ ندیمی، ۱۳۸۰؛ نقره‌کار، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۰؛ بلخاری قهی، ۱۳۸۴؛ رئیس سمیعی، ۱۳۸۲؛ خاکی قصر، ۱۳۹۱؛ خواجوی و همکاران، ۱۳۸۹) بنیادی بوده و مباحث کلان این حوزه را مطرح کرده‌اند و برخی دیگر (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰؛ رنجبر کرمانی، ۱۳۸۸؛ خیراللهی، ۱۳۸۹؛ رئیسی، ۱۳۹۲؛ عظیمی، ۱۳۹۲) کاربردی بوده و یا بخش‌هایی از این

فرایند را بررسی کرده‌اند.

اما علی‌رغم پژوهش‌های صورت‌گرفته، موضوعی که به‌نظر می‌رسد در این حوزه تاحدی مغفول مانده است و ضرورت انجام پژوهش‌های بیشتری را طلب می‌کند «بررسی تناظر میان مراتب وجودی انسان و هستی و نحوه تعامل آن‌ها با یکدیگر و بازتاب این رابطه بر ساختار و نحوه شکل‌گیری فرایند خلق و ادراک آثار معماری و جهت‌دهی به آن» است که پژوهش حاضر قصد دارد به آن بپردازد.

پرسش‌های پژوهش

مهم‌ترین پرسش‌هایی که این پژوهش با آن روبه‌رو بوده و لازم است براساس مبانی اسلامی با تأکید بر دیدگاه حکمت متعالیه به آن پاسخ دهد به قرار زیر است:

- چستی رابطه انسان و هستی و چگونگی تأثیر این رابطه بر شکل‌گیری فرایند خلق و ادراک آثار معماری؛
- فرایند خلق و ادراک آثار معماری براساس چه ساختار و مراحل می‌شود؟
- عوامل مؤثر بر کیفیت فرایند خلق و ادراک آثار معماری کدام‌اند؟
- چگونه می‌توان سبب ارتقای کیفیت در شکل‌گیری فرایند خلق و ادراک آثار معماری شد؟

روش تحقیق

این تحقیق از نوع بنیادی است. تحقیق بنیادی خود بر دو نوع است: نظری و تجربی و این تحقیق از نوع تحقیقات بنیادی نظری است. به اختصار می‌توان گفت راهبرد انجام این تحقیق استدلال منطقی است و در مرحله گردآوری داده‌ها از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و در مراحل بعد، از روش استدلال قیاسی استفاده شده است. اصول و گزاره‌های نظری‌ای که در مراحل این پژوهش از مبانی حکمت متعالیه استخراج شده است به‌عنوان مفروضات اصلی در تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است و این ظرفیت را داشته‌اند که براساس آن‌ها نتایجی منطقی در حوزه تبیین ساختار و مراحل تحقق فرایند خلق و ادراک آثار معماری و ارتقای کیفیت این فرایند ارائه شود.

پیشینه موضوع

فرایند طراحی معماری

فرایند طراحی مجموعه‌های محلی است که یک طراح به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه برای رسیدن به طرح و ایده خود طی می‌کند. «ازنظر چینگ (۱۳۷۱) طراحی فرایندی حیاتی، قابل دسترس و

لذت بخش و سازنده و نهایتاً فرایندی خلاقه است. معماران به طور سنتی، نقش مهم و ممتازی در فرایند طراحی معماری دارند (گری و هاگز، ۲۰۰۱)؛ بنابراین، می توان گفت طراحی و به خصوص طراحی معماری، فعالیت پیچیده ای است که طراح، دانش و توانایی های او در فرایند و کیفیت محصول نهایی تأثیرگذار است. مطالعات اخیر در این حوزه نشان می دهد که دیگر نمی توان به طراحی به عنوان یک فرایند مشخص و صرفاً عقلایی نگریست، بلکه نحوه تفکر طراح، فرهنگ، وجود و شخصیت او در این فرایند مؤثر و مهم است» (عظیمی، ۱۳۹۲: ص ۱۵).

برایان لاسون فرایند طراحی را به صورت نوعی مذاکره بین مسئله و راه حل از طریق سه فعالیت تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزیابی توصیف می کند (لاسون، ۱۳۸۴: ص ۴۴) و ماریو سالوادوری فرایند طراحی معماری را به برنامه ریزی، تدوین انگاره اولیه، طراحی اولیه، تهیه نقشه های اجرایی و مرحله اجرا تقسیم می کند (همان: ص ۴۳).

با دقت در مدل های ارائه شده برای فرایند طراحی می توان گفت مجموعه ای از مدل ها بر عقلایی و عینی بودن فرایند دلالت می کنند و گروه دیگری از مدل ها ماهیت فرایند را جدلی می دانند. هورست ریتل (۱۹۷۲) گروه اول را نسل اول و گروه دوم را نسل دوم مدل های طراحی نامیده است. ترتیب زمانی این تفکیک نیز تا حدودی درست است (لنگ، ۱۳۹۰: ص ۲۵). اما امروزه دیدگاه صرفاً عقلی و سیستماتیک به طراحی معماری تغییر کرده است و مطالعات بر روی طراح و ذهن او تأکید می کند. «امروزه توافقی عمومی بر این ایده وجود دارد که به طراحی به عنوان فرایند حل مسائل نامشخص^۲ که به خلاقیت وابسته است، می نگرد» (کاسکین، ۲۰۰۸: ص ۴۷). مشکل اساسی مدل های ارائه شده برای فرایند طراحی این است که از پرداختن به توانایی های انسان یا واقعیت های محیط و یا متغیرهایی چون معنای نمادین محیط، که مشکل درک می شوند، اجتناب کرده اند.

بنابر مطالعات صورت گرفته می توان گفت از سال ۱۹۶۰ تا کنون، تحقیقات بسیاری در این حوزه انجام شده است. در دو دهه گذشته، برایان لاسون و ویلیام میچل به مطالعه تفکر طراحی و منطق طراحی معماری پرداختند. کنترل بر فرایند، هدف مطالعات کریستوفر، جونز و بروس آرچر بود که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ساختار موضوع مورد طراحی، توسط پیتر لوین، بری پوینر و ملوین و بر به همراه هورست ریتل بررسی شده است (عظیمی، ۱۳۹۲). جنبه های شناختی

1. Gray and Hughes
2. Ill defined problem
3. Casakin

طراحی توسط امر ایکن، برایان لاسون، جین درک و فلسفه روش‌های طراحی بیشتر توسط برادبنت و کراس مطالعه شده است (کراس، ۱۹۸۴) و نگاهی جامع به فرایند خلق اثر معماری از ایده تا اجرا و ارزیابی پس از بهره‌برداری بیشتر مورد توجه جونز، سوینبرن، لاسون و لنگ بوده است و همان‌طور که اشاره شد، مدل‌هایی در این باره ارائه کرده‌اند.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت به‌طور کلی سه دیدگاه پیرامون فرایند طراحی معماری وجود دارد؛ برخی آن را فرایندی شهودی و غیرقابل توضیح می‌دانند، برخی آن را فرایند عقلی و گروهی دیگر آن را فرایند جدلی می‌دانند. اما با وجود این اختلاف نظرها، بیشتر افراد برای فرایند طراحی مراحل را قائل شده‌اند (ر.ک.: لنگ، ۱۳۹۰: ص ۴۲). باید اشاره کرد علی‌رغم کثرت پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه، نتایج حاصل از آن‌ها به‌طور محسوسی نتوانسته‌اند نقشی در تکمیل نتایج قبلی داشته باشند. زیرا هر کدام از منطری خاص به تبیین این فرایند و مراحل آن پرداخته‌اند. البته در مدل‌های کلی ارائه شده برای فرایند طراحی معماری مانند مدل لاسون، الکساندر و سوینبرن، که مراحل اصلی این فرایند را توضیح داده‌اند، تا حدی همگرایی دیده می‌شود.

نکته مهم و قابل توجهی که از مطالعات انجام شده حاصل شده است این است که اکثر پژوهش‌های صورت گرفته تنها به بررسی فرایند خلق آثار معماری پرداخته‌اند و مرحله ادراک مخاطب (تأثیر اثر) از منظر متفکران جایگاه تعریف شده‌ای در امتداد این فرایند ندارد و آن‌ها این دو مرحله را جدا در نظر گرفته‌اند و آن را به‌صورت منسجم مطالعه نمی‌کنند؛ از این رو، آنچه خلأ آن مشهود است و امروزه در حوزه فرایند خلق و ادراک آثار معماری باید بیشتر به آن پرداخته شود بازخوانی ساختار این فرایند در مرحله خلق و ادراک، توأمان و براساس مبانی مشخص و یک نگاه کل‌نگر است که به منشأ درونی و بیرونی این فرایند و تأثیر آن بر مخاطب توجه کند. همچنین، لازم به اشاره است منشأ و آغاز فرایند خلق و ادراک آثار معماری، که ایده‌های هنرمندان و معماران است، نیز کمتر مورد توجه پژوهشگران این حوزه قرار گرفته و به این بسنده شده است که «فرایند خلق اثر معماری فرایندی صرفاً عقلی و سیستماتیک نیست و به خلاقیت انسان وابسته است و حوزه خلاقیت نیز بسیار پیچیده است»، در صورتی که مرتبه وجودی طراح، نحوه تفکر و توانایی‌های او در شکل‌گیری این فرایند مؤثر است.

باید مدنظر قرار داد که ایده‌های معماران در فرایند طراحی از عمیق‌ترین لایه‌های وجودی آن‌ها سرچشمه می‌گیرد و بر مخاطبان آن‌ها نیز تأثیر می‌گذارد. پس اگر معماری را به‌عنوان یک پدیده در

نظر بگیریم، شناخت و بررسی علت مادی، صوری، فاعلی و علت غایی آن امری مهم و ضروری است که علت فاعلی و غایی آن جزء مباحث معرفت‌شناسی هستند. از این رو، در بررسی این پدیده توجه به حوزه انسان‌شناسی و هستی‌شناسی اهمیت زیادی دارد؛ بنابراین در مجموع، معماری با هر سه حوزه علوم مادی، زیستی و انسانی سروکار دارد و شناخت هر سه حوزه برای شناخت این فرایند امری ضروری است.

بررسی فرایند خلق و ادراک آثار معماری بر مبنای دیدگاه اسلامی

در برخی از پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه بررسی فرایند خلق آثار معماری، مبانی نظری و مفروضات پژوهش بر مبنای دیدگاه حکمت متعالیه بوده و نتایج ارائه‌شده آن‌ها براساس این مبانی شکل گرفته است (رئیس سمیعی، ۱۳۸۲؛ خاکی قصر، ۱۳۹۱؛ خواجوی و همکاران، ۱۳۸۹؛ اخلاصی و همکاران، ۱۳۹۰) که تا حدودی به جهت‌گیری پژوهش حاضر نزدیک است.

یکی از این پژوهش‌ها توجه ویژه‌ای به نظریه مراتب وجود در معماری دارد (رئیس سمیعی، ۱۳۸۲) و مطرح می‌کند از آنجا که نظریه مراتب وجود جایگاه هر پدیده‌ای را در عالم هستی مشخص می‌کند، به کمک این نظریه می‌توان مرتبه وجودی هر چیزی را، از حالت انسان گرفته تا یک اثر هنری و معماری، مورد تأمل و تفحص هستی‌شناسانه قرار داد و در نهایت، با توجه به نظریه مراتب وجود به جایگاه برنامه‌ریزی، طراحی و معماری اشاره می‌کند. البته نتایج این پژوهش بیشتر در راستای تحلیل و تأمل هستی‌شناسی بر آثار معماری مورد استفاده قرار گرفته است و بسط آن در حوزه‌های فرایند طراحی معماری و روش‌های آموزش معماری به عهده سایر پژوهشگران در این حوزه قرار داده شده است.

در سال‌های اخیر پژوهش‌های دیگری نیز در این حوزه از منظر حکمت متعالیه انجام شده است که بیشتر به فهم فعل انسان، به‌ویژه در خلق آثار هنری و گاهی معماری پرداخته‌اند و به نقش قوای انسان، به خصوص قوه خیال و نحوه تعامل آن با حس و عقل، در کلیات توجه داشته‌اند؛ هر چند وارد جزئیات نشده‌اند، سعی کرده‌اند رویکردهای جدیدی را در این حوزه مطرح کنند و با توجه به تناظرهایی که میان مراتب وجود و نفس انسان وجود دارد، سعی دارند مبانی پایه‌ای در حوزه فرایند آفرینش‌های هنری انسان تبیین کنند (خواجوی و همکاران، ۱۳۸۹؛ اخلاصی و همکاران، ۱۳۹۰؛ عظیمی، ۱۳۹۲).

پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه بررسی فرایند طراحی معماری براساس مبانی حکمت متعالیه مطرح می‌کند که فرایند آفرینش از معنا آغاز می‌شود. سیر تجلی معنا در اثر معماری با

کمک و واسطه خیال صورت می‌گیرد. بدین قرار که هر مفهوم یا معنایی برای گرفتن صورت در عالم واقع و محسوس ابتدا باید تصویری خیالی بگیرد. معنا از وجود طراح می‌آید و تصاویر خیالی معنا در فضا یا فرم معماری می‌نشیند. در روش معنا، خیال معماری ایده طرح از برآیند و تعامل تجلی معنا در ایده خیالی و حوزه کمی معماری حاصل می‌شود که باعث دستیابی به نهفتگی، ارتقای کیفیت معماری و رسیدن به محصول متعالی تر می‌شود (عظیمی، ۱۳۹۲).

پژوهش‌هایی نیز در حوزه فرآیند خلق آثار معماری، با ارائه جزئیات بیشتر، به بسط این نظریات پرداخته‌اند و هر یک از آن‌ها بر بخش‌هایی از این فرآیند تمرکز یافته‌اند و مؤلفه‌های مؤثر بر آن را با جزئیات بیشتری مطرح کرده‌اند. بیشتر این‌گونه پژوهش‌ها پیرامون مراحل آغاز فرآیند معماری تا ارائه پیش‌طرح‌های اولیه صورت گرفته است (رنجبر کرمانی، ۱۳۸۸؛ خیراللهی، ۱۳۸۹).

از آنجا که رویکرد این پژوهش توجه به معرفت‌های حاصل‌شده از راه عقل و نقل در کنار هم بود، مروری بر دستاوردهای صاحب‌نظران سایر دیدگاه‌ها در حوزه فرآیند خلق و ادراک آثار معماری صورت گرفت تا ضمن مدنظر قراردادن آخرین دستاوردهای این حوزه، در صورت امکان از نتایج آن‌ها در کنار نتایج استخراج‌شده از مبانی اسلامی بهره گرفته شود. اما مطالعات صورت‌گرفته نشان داد به دلیل تفاوت دیدگاه‌های نظری، عدم توجه توأمان به دو مرحله خلق و ادراک آثار معماری در ساختارها و مدل‌های ارائه‌شده از فرآیند خلق و ادراک آثار معماری و عدم توجه به علت فاعلی و غایی شکل‌دهنده به آثار معماری بر پایه مبانی نظری مشخص در حوزه انسان‌شناسی و هستی‌شناسی، امکان بهره‌برداری از این بخش از مطالعات در ادامه پژوهش وجود نخواهد داشت.

بخش دوم مرور ادبیات موضوع نشان داد پژوهش‌های مختلفی در حوزه مسئله این پژوهش براساس مبانی اسلامی صورت گرفته است که برخی از این پژوهش‌ها از نوع بنیادی بوده‌اند و مباحث کلان حوزه فرآیند خلق و ادراک آثار معماری را مطرح کرده‌اند و برخی دیگر بخش‌هایی از این فرآیند را بررسی و نتایجی ارائه کرده‌اند. مطالعات این بخش نشان می‌دهد کلیات ساختار فرآیند خلق و ادراک آثار معماری براساس مبانی اسلامی تاحدی بازخوانی شده است و آن بخش که نیاز به پژوهش در آن ضروری است تبیین ساختار و ارکان سازنده فرآیند خلق و ادراک آثار معماری و مراحل آن با جزئیات بر پایه مبانی حکمت متعالیه است تا مراحل کار از ابتدا تا انتها با هم دیده شود و محتوای هر یک از مراحل این فرآیند نیز به راحتی قابل شناخت، درک و ارزیابی باشد.

تبیین فرایند خلق و ادراک آثار معماری براساس مبانی حکمت متعالیه

معماری از آن دسته معارف بشری است که با هر سه حوزه معرفت‌شناسی یعنی حوزه علوم طبیعی، علوم انسانی، خلاقیت و هنر در ارتباط است و فرایند شکل‌گیری و پرورش ایده تا خلق اثر معماری و ادراک آن مقوله‌ای چند بعدی است. باید اشاره کرد در حال حاضر دو دیدگاه درباره علم وجود دارد: «علم بریده از حکمت و علمی که متصل با حکمت است (حکمت به طور کلی فهم وجود و فهم مبادی و اصول وجود است. حکیم کسی است که مبادی وجود را می‌فهمد و به مبادی کلی هستی پی می‌برد). ممکن است علم به این امور بی‌تفاوت باشد و اصلاً توجهی به این‌ها نداشته باشد؛ در واقع، علوم جدید نسبت به این مبادی تقریباً بی‌تفاوت‌اند یا اصلاً توجهی ندارند» (اعوانی، ۱۳۹۰). این علوم منحصر آنچه را می‌داند که در بیشترین وجه با وی هم‌افق است (ندیمی، ۱۳۸۰: ص ۵۰)، اما از منظر اسلام، هستی دارای اصول و مبادی است و قوانین تحقق افعال و خلق آثار انسانی خارج از قوانین هستی نیست. بر این اساس، فرایند خلق آثار معماری نیز مطابق با اصول و مبادی هستی است؛ بنابراین، دیدگاهی که همراه‌بودن معماری با حکمت یا جدایی معماری از آن را مدنظر قرار می‌دهد دو نظر متفاوت درباره جهت‌دهی به فرایند خلق و ادراک آثار معماری و محتوای اثر خواهد داشت و هدف غایی آن‌ها در بیان معماری متفاوت خواهد بود و این دیدگاه آنان بر کیفیت و اصالت آثار معماری نیز تأثیر جدی خواهد گذاشت که در این فصل مبسوط به آن پرداخته خواهد شد.

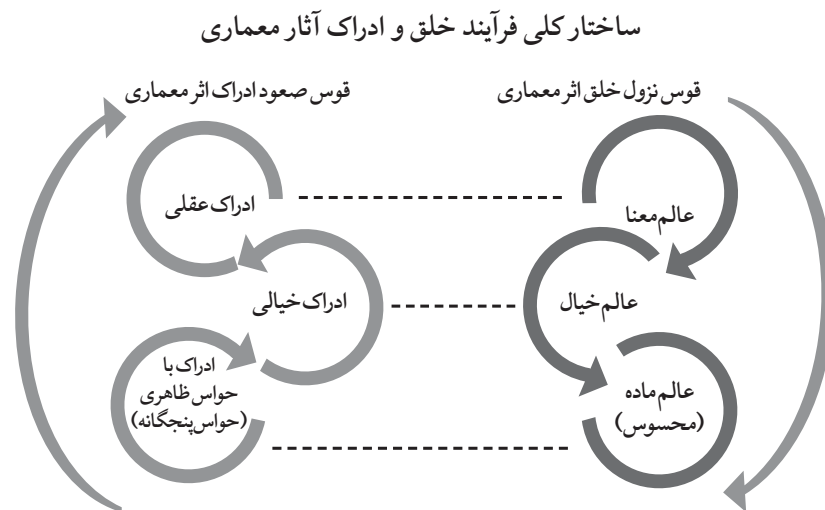
انسان، به اعتبار اینکه خلیفه خداست و صورت الهی دارد و خداوند صفت خلاقیت را به او عطا کرده است، می‌تواند صورت اشیا را به وجود آورد. مطالعات صورت‌گرفته در این پژوهش نشان داد خلق و آفرینش در انسان امری تدریجی است و در قالب سلسله‌مراتبی تحقق می‌یابد؛ از این رو، فرایند خلق آثار معماری ساختاری حساب‌شده و دقیق است. به نظر می‌رسد اگر معمار شناخت مناسبی از فرایند آفرینش الهی پیدا کند، بالتبع شناخت فرایند خلق و ادراک آثار معماری برای او راحت‌تر خواهد بود و این شناخت کمک می‌کند تا آثار معماری خلق‌شده کیفیت بهتری داشته باشند.

حال سؤال اصلی اینجاست که فرایند خلق و ادراک آثار معماری با چه ساختاری و طی چه مراحل تحقق می‌یابد و عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت این فرایند کدام‌اند و کدام مراحل این فرایند می‌توانند تحت تعلیم و تربیت قرار گیرند.

ساختار کلی فرایند خلق و ادراک آثار معماری

براساس دیدگاه حکمت متعالیه، فرایند آفرینش‌های انسانی، فعلیت و ظهور حقایق مراتب متعالی نفس در قوای مراتب پایین‌تر است که در نهایت در بدن جسمانی و در عالم ماده نمود می‌یابد و از خلال آن اثری محسوس و عینی به وجود می‌آید؛ به عبارتی، انسان در خلق آثار خود یک سیر نزول از معنا به ماده را طی می‌کند و نفس انسان معنایی را که متناسب با مرتبه وجودی خویش است «ابتدا به تعقل و سپس نزولاً به تخیل می‌آورد، یعنی از قوه تخیل معانی کلی را به اشکال جزئی تمثیل می‌دهد (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۰، ج ۱: ص ۴۲). در ادامه این تجلیات پی‌درپی در مرتبه مادی نفس، یعنی بدن نمود پیدا می‌کند و در نهایت همان معنا را به شکل آفریده‌ای محسوس در عالم ماده حاضر می‌کند. این فرایند همان فرایند حرکت از معنی به ماده یا تجلی علم در عمل است. ادراکات مخاطب نیز در سیری صعودی شکل می‌گیرد که در آن فعلیات نفس، که در قوای جسمانی او ظهور می‌یابند، مانند ادراکات حواس پنج‌گانه یا اعمال اعضا و جوارح، خود بازتابی در نفس پیدا می‌کنند و جوهر آن را تغییر می‌دهند؛ باید توجه داشت خالق اثر اولین مخاطب اثر است و تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد که این موضوع ناشی از رابطه ذاتی و ضروری میان نفس و بدن انسان است.

بر این اساس، می‌توان مدل فرایند خلق و ادراک آثار معماری را با الگوگیری از قوس نزول در آفرینش الهی به صورت اجمالی در قالب نمودار ۱ نشان داد.



نمودار ۱. ساختار کلی فرایند خلق و ادراک آثار معماری براساس مبانی حکمت متعالیه

باید توجه داشت که مراتب شکل دهنده به این فرایند متأثر از عوالم هستی و مراتب نفس انسان‌هاست که در تناظر دقیقی با یکدیگر قرار دارند و درحقیقت همین تناظر است که امکان خلق و ادراک متقابل آثار هنری و معماری را به انسان‌ها می‌دهد؛ ازاین‌رو، قبل از بسط ساختار و مراحل این فرایند و پرداختن به جزئیات ساختاری و چگونگی تحقق مرحله به مرحله آن، به تناظر میان مراتب نفس انسان هنرمند و عوالم هستی (محیط) اشاره می‌کند و براساس آن به تبیین رابطه انسان و هستی و بازتاب آن بر اثر معماری پرداخته خواهد شد تا به کمک آن بتوان شناخت مناسب‌تری از ساختار و مراحل فرایند خلق و ادراک آثار معماری به‌دست آورد.

تبیین رابطه انسان و هستی و بازتاب آن بر اثر معماری

در این قسمت با توجه به یافته‌های حاصل از مطالعات و پژوهش‌های پیشین نگارنده پیرامون مقوله انسان، هستی و معماری و رابطه آن‌ها با یکدیگر (ر.ک.: نقره‌کار و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۱۰۴؛ تقدیر، ۱۳۹۶: ص ۴۸)، ابتدا رابطه انسان و هستی و بازتاب آن بر اثر معماری در یک ساختار منطقی بیان شده است تا در ادامه بتوان از نتایج آن به‌عنوان فرض‌های اصلی پژوهش استفاده کرد. براساس دیدگاه حکمت متعالیه می‌توان گفت تناظری میان مراتب وجودی انسان و هستی با یکدیگر وجود دارد و هر عالم یا مرتبه‌ای از وجود، به‌واسطه نوع ادراکی که به آن تعلق دارد، شناخته می‌شود و سه مرتبه اصلی ادراک (ادراک حسی، خیالی و عقلی)، دقیقاً بر سه عالمی که مراتب وجود خارجی‌اند (عوالم محسوس، مثال و عقول) منطبق است و وجود ظرفیتی است که به انسان این توان را می‌بخشد که با تصور عوالم برتر هستی در درون خود به بازآفرینی آن‌ها در بستر هنر و معماری بپردازد. البته دستاوردهای مطالعات نظری این پژوهش و یافته‌های مستخرج از آن‌ها نشان داد در یک تعریف دقیق، براساس دیدگاه اسلامی، باید برای نفس انسان چهار ساحت (نامی نباتی، حسی حیوانی، ناطقه قدسی و ملکه الهی) و چهار مرتبه نیاز (مادی، روانی، عقلانی و روحانی) قائل شد. همچنین، نشان داده شد فضای معماری می‌تواند قابلیت هماهنگی با هر چهار ساحت نفس انسان و بسترسازی برای پاسخ‌گویی به نیازهای چهارگانه او را داشته باشد.

بنابر آنچه اشاره شد، فضای معماری در ظاهر و باطن می‌تواند قابلیت‌هایی متناظر با مراتب نفس انسان و عوالم هستی داشته باشد و به انسان کمک کند تا با استفاده از قابلیت‌های ادراکی خود (حس، خیال، عقل، شهود) شناخت و معرفت مناسبی از هستی پیدا کند و بستر پاسخ‌گویی به نیازهای چهارگانه متناظر با مراتب نفس خود (مادی، حسی روانی، عقلانی و روحانی) را متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی فراهم آورد.

آنچه در این مقوله اهمیت دارد و نباید از آن غفلت شود سطح معرفت معمار و مرتبه ادراک او از هستی است؛ زیرا او به عنوان یک انسان متناسب با اینکه نفس او در چه مرتبه وجودی باشد، ادراکی به هستی پیدا کرده که منشأ الهامات او شده است. پس هر اندازه معمار به عنوان خالق اثر معماری دارای مرتبه وجودی بالاتری باشد، درک عمیق تری از خلقت هستی مراتب آن، انسان و قوای آن به دست خواهد آورد و الهامات او متعالی تر می شود و تجلی این الهامات در آثار او قابل مشاهده خواهد بود؛ بنابراین، اثر معماری نیز دارای یک مرتبه وجودی متناسب با مرتبه نفس معمار و منشأ الهام او خواهد بود و به همین نحو، هر قدر مخاطب معرفت و مرتبه وجودی بالاتری داشته باشد، مفاهیم متجلی شده در اثر معماری را با استفاده از ابزار ادراکی خود بهتر بازخوانی (تأویل) و فهم می کند. اعوانی در این باره بیان می کند: «این امر که انسانی که به هنر می پردازد چگونه انسانی است در معماری امر مهمی است. آیا انسانی معنوی است که عالم را معنوی و الهی می بیند و یا این گونه نیست؟ همچنین، این امر که انسانی که برای او معماری و فضایی را ایجاد می کنیم، چگونه انسانی است هم نقش مهمی در معماری دارد. بالأخره انسان به تعبیر قرآن موجودی است که از اسفل السافلین تا اعلی علیین می تواند ظهور داشته باشد. مخاطب معماری چگونه انسانی است؟ انسان مورد نظر هنر معنوی یک انسان به معنای انسان کامل، معنوی و الهی با تمام نیازهای اوست؛ بنابراین، در واقع هنر سنتی به نفس انسان برای رسیدن به کمال معنوی کمک می کند. به تعبیر دیگر، هنر یا می تواند بازدارنده راه کمال معنوی باشد یا می تواند به انسان در پیمودن کمال معنوی کمک کند و این امر بستگی به این دارد که ما چه هنری را به کار ببریم» (اعوانی، ۱۳۹۰).

از این رو، انسان هنرمند (معمار) باید با کسب ایمان و معرفت و عمل به آن (انجام عمل صالح)، طی حرکت جوهری مرتبه وجودی نفس خود را ارتقا دهد تا تمامی قوای ادراکی او بالفعل و تعامل حداکثری میان انسان و هستی برقرار شود و در نتیجه منشأ الهامات او متعالی شود و زمینه خلق اثری شایسته فراهم شود. به همین خاطر است که در آموزه های اسلامی توصیه های بسیاری در راستای مراقبت از ادراکات انسان شده است که زمینه اتصال او به عوالم برتر و بستر ساز کمال وجودی اوست. برای نمونه، گفته شده است «آنکه به نعمت مراقبت متنعم است می داند که هر چه مراقبت قوی تر باشد، تمثالات و واردات و ادراکات و منامات زلال تر و عبارات، که اخبار برزخی اند، رساتر و شیواترند (ر. ک.: حسن زاده آملی، ۱۳۸۶: ص ۲۹).

آنچه این پژوهش در این بخش به آن تأکید دارد، نگاهی جامع به ساحت های وجودی انسان در طراحی فضای معماری است. زیرا نفس انسان دارای مراتب چهارگانه است و هر کدام از آنها سازنده بعدی از حیات او هستند. همان طور که اشاره شد، هدف زندگی انسان دستیابی به حیات

طیبه^۱ و درنهایت، قرب الهی است و در نگرش اسلامی حیات طیبه، با عنایت به جنبه‌های مختلف زندگی انسان و استقلال نسبی آن‌ها از یکدیگر، در بردارنده شئون متعددی است که در ارتباط و تعامل با هم، این مفهوم پویا و متکامل را محقق می‌کنند و نباید از توجه مناسب به هیچ‌یک از این شئون غافل شد؛ از این رو، با تسری این مفهوم به معماری، که ظرف و بستر زندگی انسان است، باید نتیجه گرفت که نباید هیچ بعدی از وجود انسان را در طراحی فضای معماری نادیده گرفت. بنابراین، براساس مبانی حکمت متعالیه تناظر دقیق و معناداری میان مراتب نفس انسان و ساحات ادراکی او با مراتب هستی وجود دارد و انسان برای پاسخ‌گویی به خواست‌ها و نیازهایش با هستی (محیط پیرامون خود) تعامل می‌کند و فضای معماری این قابلیت را دارد تا به‌عنوان یک واسطه، بستری برای تعامل و پاسخ‌گویی به نیازهای انسان برقرار کند؛ از این رو، معماری شایسته از منظر اسلام باید در ظاهر و باطن قابلیت‌هایی متناظر با مراتب وجودی نفس انسان و مراتب هستی داشته باشد و بستر اغنای نیازهای چهارگانه نفس انسان را متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی فراهم کند و به تبع آن، زمینه رشد و تعالی او و ارتباط با حضرت حق را مهیا کند و به هر میزان در تحقق این امر موفق باشد، دارای مرتبه وجودی بالاتری خواهد بود.

برای جمع‌بندی و کاربردی کردن نتایج این بخش درباره انسان، هستی و معماری و رابطه و تناظر مراتب وجودی آن‌ها براساس دیدگاه اسلامی از یک جدول چهاربخشی استفاده شده که متناظر با مراتب چهارگانه نفس انسان تنظیم شده است.

جدول ۱. تبیین سطوح تعامل انسان و هستی و بازتاب آن در معماری براساس مبانی حکمت متعالیه

نوع و سطح تعامل انسان و هستی	معماری		هستی	انسان		
	سطوح قابلیت فضای معماری	مرتبه اثر معماری	مرتبه هستی منشأ الهام معماران	ابزار ادراکی	نیازهای انسانی	مرتبه نفس
انسان محاط در عالم ملک (نوع ارتباط جبری است)	بسترسازی برای اغنای نیازهای مادی و فیزیولوژیک	مرتبه ۱: فضای فیزیولوژیک	عالم ملک (عالم طبیعت)	قوای نباتی	نیازهای مادی و فیزیولوژیک	نامی نباتی (رشدکننده گیاهی)

۱. قرآن حیات طیبه را به ما وعده داده است: «فَلَنُحْيِيَنَّهَا حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷). استفاده از تعبیر «حیات طیبه» برای اشاره به وضعیت شایسته زندگی انسان در دنیا براساس نظام معیار دینی و به‌مثابه مصداق عینی و ملموس مفهوم عمیق و عرفانی «قرب الی الله» پیش از این در بیانات متفکران اسلامی سابقه دارد (صادق زاده، ۱۳۹۰: ص ۱۲۱).

انسان محاط در عالم ملک و گاهی در ارتباط با عالم خیال متصل، متناسب با مرتبه وجودی اش (نوع ارتباط جبری است)	بسترسازی برای اغنای نیازهای روانی فردی، خانوادگی و اجتماعی	مرتبه ۲: فضای روانی	عالم ملک و عالم مثال مقید (خیال متصل)	حس و خیال	نیازهای روانی	حسی حیوانی (حس کننده حیوانی)
انسان محیط بر عالم ملک و گاهی در ارتباط با عالم ملکوت (خیال منفصل) و عالم عقول مجرد، متناسب با مرتبه وجودی اش (نوع ارتباط اختیاری است)	بسترسازی برای اغنای نیازهای عقلی-شناختی	مرتبه ۳: فضای عقلانی	عالم ملکوت (مثال یا خیال منفصل) و عالم جبروت اسفل (عقول مجرد)	عقل	نیازهای عقلانی	ناطقه قدسی (تدبیرگر قدسی)
انسان به عنوان خلیفه الله محیط بر عوالم هستی (ملکوت و جبروت) (نوع ارتباط اختیاری است)	بسترسازی برای اغنای نیازهای روحانی و معنوی با توجه به هنر و زیبایی	مرتبه ۴: فضای روحانی	عالم جبروت اعلی (اعلی علین)	قلب	نیازهای روحانی	کلی الهی (ملکه الهی)

در اینجا لازم به یادآوری است (ر.ک.: تقدیر، ۱۳۹۳) از دیدگاه حکمت متعالیه نفس انسان از ابتدای وجود خود درجات متعددی را می‌پذیرد و با حرکت جوهری اطوار مختلف وجودی را سپری می‌کند؛ بنابراین، نفس انسان دارای مراتب طولی متعددی است که هر یک کامل‌تر از مادون خود است و یافتن مراتب عالی به معنای ازدست‌دادن مراتب مادون و کمالات مربوط به آنها نیست، بلکه هر مرتبه متمم مرتبه قبلی است. به همین دلیل سیر انسان را از ظاهر به باطن، از صورت به معنا و از کثرت به وحدت تعبیر می‌کند و از مفهوم سیورورت یعنی ارتقای مرتبه وجودی در حکمت متعالیه بحث می‌شود.

بازخوانی فرایند خلق آثار معماری

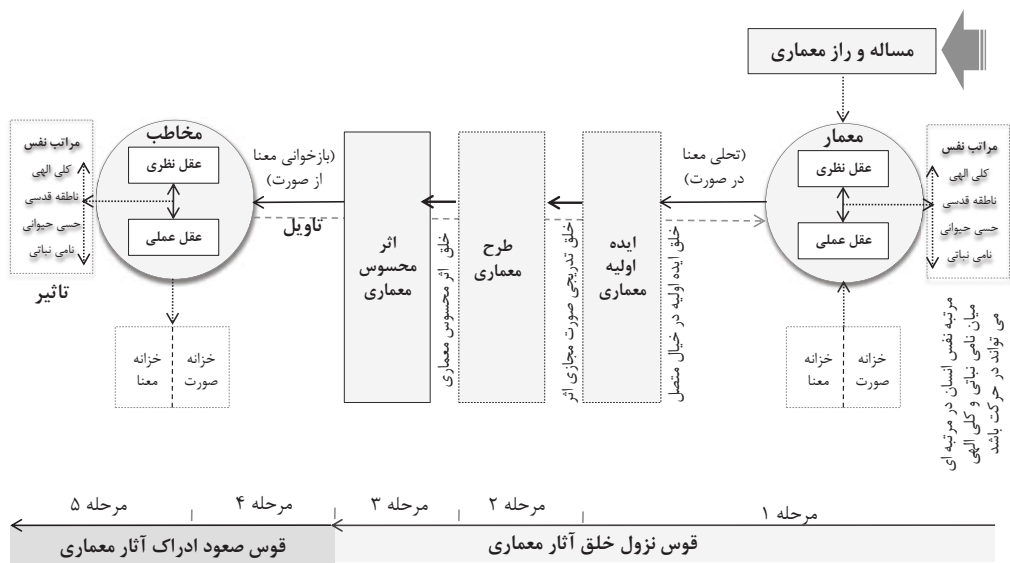
براساس دیدگاه حکمت متعالیه، فرایند خلق آثار معماری مطابق با اصول و مبادی هستی است؛ بنابراین، نگارنده با کمک مطالعات مبسوط صورت‌گرفته در این حوزه (ر.ک.: تقدیر، ۱۳۹۳: ص ۵۱) مطرح می‌کند که می‌توان ساختار این فرایند را با کمک ساختار فرایند خلق عالم هستی بازخوانی کرد. در توضیح مراتب آفرینش اثر معماری با الگوگیری از مراتب خلق عالم هستی

می‌توان گفت معماری مبتنی بر یک فرایند تکوینی از مرحله معنا (مفهوم) تا صورت (کالبد) شکل می‌گیرد و رابطه معنا و صورت در اثر معماری یک رابطه به هم تنیده است. برای توضیح این رابطه می‌توان به رابطه روح و کالبد اشاره کرد. ملاصدرا روح را محصول حرکت جوهری کالبد می‌داند؛ نه به آن معنا که روح معلول کالبد است، بلکه کالبد تنها شرایط ظهور روح را فراهم می‌کند. روح در پیدایش و ظهور نیازمند زمینه مادی است، اما در بقا و دوام مستقل از ماده و شرایط مادی است. ماده تنها زمینه حلول روح را فراهم می‌کند.

با مدنظر قراردادن این تعریف می‌توان اظهار داشت که مفهوم یا همان معنا بر مصداق یا همان کالبد تقدم دارد. البته این تقدم به معنای نفی مصداق نخواهد بود؛ چراکه مصداق یا کالبد باید به نحوی متجلی شود که زمینه ظهور معنا را به نحوی شایسته فراهم کند (ر.ک.: آشتیانی، ۱۳۸۰: ص ۵۷). همچنین، باید توجه داشت از آنجا که فعلیت و حیات نفس به معارف است و انسان جز علم و عملش نیست و آن دو با نفس اتحاد وجودی دارند، پس معنای ظهور یافته در اثر معماری انعکاس مرتبه وجودی هنرمند است که صورتی مادی پیدا کرده است؛ از این رو، عامل اصلی در کیفیت آثار معماری هم بیش از هر چیز مرتبه نفس معمار است که غنای محتوای خزانه صورت و معنا در نفس او به آن وابسته است (ر.ک.: تقدیر، ۱۳۹۳: ص ۴۸). همچنین، در لحظه شکل‌گیری ایده معماری در زمان انتخاب معنا و صورت توسط قوه متصرفه، مؤثرترین عامل بر کیفیت ایده، باز همین مرتبه وجودی نفس معمار است که در اصل هر دو متأثر از فرایند علم و عمل او، انگیزه او را در شروع این فرایند جهت‌دهی می‌کنند.

همان‌گونه که اشاره شد، اگر قوه متصرفه در معمار را واهمه یا نفس حیوانی به کار گیرد و در صور و معانی جزئی تصرف کند، این قوه «متخیله» نامیده می‌شود و اگر در استخدام عقل و نفس ناطقه قرار گیرد و عقل به کمک آن‌ها به تعریف و استدلال پردازد، به آن «متفکره» گفته می‌شود. در اصل جهت فرایند خلق اثر معماری وابسته به جهت‌گیری قوه متصرفه است و هر میزان قوه متصرفه در اختیار نفس حیوانی انسان قرار گیرد، کیفیت آثار معماری پایین‌تر و بالعکس، به هر میزان قوه متصرفه در اختیار نفس عقلانی انسان قرار گیرد، کیفیت آثار معماری بهتر خواهد بود.

با مدنظر قراردادن ساختار کلی ارائه‌شده از فرایند خلق و ادراک آثار معماری بر اساس قوس نزول خلق و قوس صعود ادراک (نمودار ۱) و یافته‌های این بخش پیرامون بازخوانی مراحل خلق آثار معماری می‌توان ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری و مراحل آن را در قالب یک مدل به صورت نمودار ۲ نشان داد. در این نمودار به شکلی ساده ساختار و مراحل این فرایند نشان داده شده است.



نمودار ۲. ساختار و مراحل فرایند خلق و ادراک آثار معماری براساس مبانی حکمت متعالیه

نکته مهم در این مدل، توجه توأمان به مرحله خلق و ادراک آثار معماری است که شامل مرحله مواجهه با مسئله معماری توسط نفس ناطقه معمار، شکل گیری ایده اثر معماری، شکل گیری صورت مجازی اثر معماری، شکل گیری اثر محسوس معماری، ادراک اثر معماری و مرحله تحول نفس ناطقه انسان مخاطب است. البته برای بسط این ساختار با جزئیات بیشتر و تبیین چگونگی تحقق مراحل آن لازم است ابتدا شناختی از خزانه معنا و صورت در نفس انسان صورت گیرد.

خزانه معنا و صورت در نفس معمار

هر انسانی متناسب با مرتبه وجودی نفس خویش سطحی از تعامل با عوالم هستی برقرار می کند و به سبب آن و به واسطه قوای ادراکی خود مجموعه ای از معانی و صورت ها را در نفس خویش ذخیره می کند (ر.ک.: تقدیر، ۱۳۹۶: ص ۶۰). بنابر اطلاعات به دست آمده می توان گفت اگر ظرفیت حداکثری در خزانه معنا و صورت محقق شود، سطوح داده های آنها به صورت نمودار ۳ خواهد بود. بر این اساس، خزانه معنا دارای چهار سطح کیفیت و خزانه صورت دارای سه سطح کیفیت خواهد بود (همان).



نمودار ۳. معرفی سطوح کیفیت در خزانه معنا و صورت براساس مبانی حکمت متعالیه

شایان ذکر است زمانی که معمار دید جامعی از عوالم هستی نداشته باشد و محیط پیرامون خود را به عالم طبیعت (ملک) محدود کند و تنها با آن در تعامل باشد، این خزانه از حداقل ظرفیت خود برخوردار خواهد بود.

به گفته ملاصدرا قوه متصرفه انسان می‌تواند قوه حافظه و خیال را به استخدام خود درآورد، در معانی و صور جزئی موجود در آن‌ها تصرف کند و به تجزیه و تحلیل یا ترکیب آن‌ها پردازد. بدین‌سان، متصرفه با اشراف بر خزانه صور و معانی، از راه تجزیه و تحلیل آن‌ها، صورت‌های نوینی می‌آفریند و حس مشترک را در معرض مشاهده و درک آن‌ها قرار می‌دهد. بدین‌سان، عقل یا وهم با به‌کارگیری قوه متصرفه، به حجم گسترده‌ای از صور و معانی دست می‌یابد. البته باید توجه داشت «انسان با قوه خیال خود می‌تواند حتی بدون الگوبرداری از داده‌های حواس، صورت‌هایی خلق کند که از هر جهت شبیه آفرینش ابداعی خداوند باشد» (ارشاد ریاحی و واسعی، ۱۳۹۰: ص ۱۷) که از این‌گونه خلق در انسان با عنوان «تخیل خلاق» نام برده می‌شود (ر.ک.: نامور مطلق، ۱۳۸۴: ص ۲۰۸).

رابطه خزانه معنا و صورت با کیفیت خلق آثار معماری

خلق و آفرینش در حوزه هنر و معماری در سطحی متناسب با مرتبه نفس انسان و غنای خزانه صورت و معنا در او انجام می‌گیرد و این امر زمینه‌ساز کیفیات مختلف در آثار خلق‌شده هنری و معماری می‌شود. البته در کنار غنای خزانه صورت و معنا، توانمندی و استعداد ذاتی انسان نیز

در کیفیت شکل‌گیری خلق و آثار خلق‌شده تأثیر بسزایی دارد. در یک طبقه‌بندی اجمالی می‌توان چگونگی خلق آثار معماری را با توجه به توانمندی‌های انسان هنرمند در دو سطح کلی به صورت زیر تقسیم کرد:

سطح ۱: در این سطح هنرمند در آفرینش خود تنها به بازنمایی معانی و صورت‌های دریافت‌شده می‌پردازد که در خزانه نفس خود دارد.

سطح ۲: در این مرتبه هنرمند با جست‌وجو و ترکیب داده‌های موجود در خزانه صورت و معنا اقدام به خلق می‌کند. این نوع خلق است که با نوآوری همراه است.

در هر دو سطح آنچه سبب کیفیت متفاوت در همان سطح از خلقت می‌شود، کیفیت تعامل انسان هنرمند با عوالم هستی (محیط) است. البته به گفته پژوهشگران خلاقیت و نوآوری در کار هنرمندان بیشتر در سطح دوم محقق می‌شود و باعث می‌شود آثار خلق‌شده صورت‌هایی داشته باشند که برای همگان آشنا نیست (ر.ک.: نامور مطلق، ۱۳۸۴: ص ۲۰۸).

با توجه به دستاوردهای این پژوهش می‌توان گفت کیفیت آثار معماری در دو بخش قابل بررسی است؛ در بخش یک، که حوزه محتواسست، کیفیت تا حد زیادی وابسته به مرتبه نفس معمار و غنای خزانه معنا و صورت در آن است که امری اکتسابی است و معمار باید از طریق بالفعل‌سازی قوای عقل نظری و ظرفیت‌های عقل عملی (با تهذیب نفس، تهذیب باطن، تزکیه و غیره) در ارتقای مرتبه وجودی خویش و دستیابی به معانی و صورت‌های ماورای عالم طبیعت (ملک) همت کند. اما در بخش دوم، که مربوط به ارائه محتوا در قالب آثار هنری و معماری است، معمار نیاز به مجموعه‌ای از استعداد‌های ذاتی و فراگیری مهارت‌های تخصصی دارد.

مراحل فرایند خلق و ادراک آثار معماری و عوامل مؤثر بر کیفیت آن براساس مبانی حکمت متعالیه

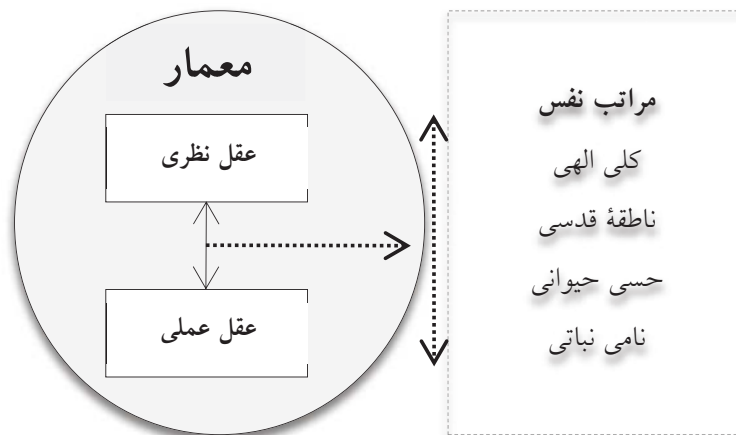
مرحله اول: شکل‌گیری ایده

مرحله اول شروع قوس نزول خلق آثار معماری است و ایده اولیه معماری در آن شکل می‌گیرد که به آن کانسپت (ایده مفهومی) معماری نیز گفته می‌شود. این ایده مانند بذری است که قابلیت‌های زیادی در آن وجود دارد و معمار متناسب با توانایی‌ها و مهارت‌های خود می‌تواند آن‌ها را شکوفا کند و کیفیت خلق آثار معماری تا حد زیادی متأثر از این ایده و کیفیت این ایده متأثر از مرتبه نفس

معمار است. به همین دلیل، مهم‌ترین عامل مؤثر بر کیفیت ایده اولیه معماری و به تبع آن، کیفیت اثر معماری خلق‌شده مرتبه نفس معمار است.

• مرتبه نفس معمار

مرتبه نفس انسان نتیجه تحقق عقل نظری و عقل عملی و تعامل میان این دو است که یکی مبدأ ادراک و علم انسان و دیگری مبدأ عمل و اخلاق اوست و این دو همواره در یک رابطه رفت و برگشتی با یکدیگر هستند و بر هم تأثیرگذارند. (ر.ک.: تقدیر، ۱۳۹۳: ص ۱۲۵)؛ به عبارتی، مرتبه نفس انسان برآیند حاصل از تعامل علم و عمل اوست و او متناسب با آن معرفت کسب می‌کند و مبانی نظری خود نسبت به انسان و هستی و مراتب هر یک را شکل داده است. درحقیقت، سطح معرفت معمار است که انگیزه او را شکل می‌دهد و جهت‌گیری فرآیند خلق آثار معماری را مشخص می‌کند. زیرا نفس انسان مختار است و می‌تواند در مرتبه‌ای بین مرتبه نباتی تا مرتبه کلی الهی (که همان مرتبه انسان کامل است)، مطابق آنچه در نمودار ۴ نشان داده شده است، قرار گیرد و درواقع، انگیزه معمار، که همان نیت اوست، عامل اصلی جهت‌دهی به فرآیند خلق و ادراک آثار معماری است.



نمودار ۴. مرتبه نفس معمار برآیند تعامل عقل نظری و عقل عملی در انسان

همچنین، مرتبه وجودی انسان است که سطح تعامل او با هستی را مشخص می‌کند و همان‌گونه که اشاره شد، هرچه این مرتبه متعالی‌تر باشد، خزانه معنا و صورت در نفس او غنی‌تر خواهد بود و به همان میزان و متناسب با استعداد معمار، کیفیت آثار معماری خلق‌شده نیز بالاتر خواهد بود. همان‌طور که گفته شد، زمانی کامل‌ترین خزانه صورت و معنا شکل می‌گیرد که معمار به مرتبه انسان کامل رسیده باشد و بتواند حداکثر تعامل با

عوالم هستی را داشته باشد و به احصا و ادراک متعالی‌ترین معانی نائل شود که این مبانی براساس مبانی حکمت متعالیه اسماء و صفات الهی هستند. زیرا درحقیقت تمام هستی تجلی خداوند هست. اصل توحید و اسماء و صفات الهی واسطه میان ذات و مصنوعات او هستند (طباطبایی، بی تا، ج ۱۶: ص ۲۶۷).

• اعتدال مزاج، عامل مؤثر بر ادراک انسان

نکته مهم دیگر که در شروع این فرایند و در شکل‌گیری ایده معماری باید به آن توجه شود و نباید از آن غافل بود توجه به اعتدال مزاج در معمار است. اعتدال مزاج نقش مهمی در فرایند ادراک و فهم انسان دارد و بر فعل انسان تأثیرگذار است (ر.ک.: تقدیر، ۱۳۹۳: ص ۱۲۷)؛ از این رو، معمار در طول حیات خود به خصوص در زمانی که می‌خواهد شروع به خلق و آفرینش آثار معماری کند، باید به این مقوله نیز توجه جدی داشته باشد. باید اشاره کرد که این موضوع تنها از مباحث مطرح‌شده در مبانی اسلامی نیست و برخی مکاتب دیگر نیز به آن توجه داشته‌اند. کاپن در کتاب تئوری‌های معماری اشاره می‌کند در یک مقطع زمانی در مدرسه باهاوس نیز دانشجویان طراحی، در زمانی که برنامه طراحی داشتند، ملزم به رعایت برخی ملاحظات اخلاقی و رژیم غذایی بودند (کاپن، ۱۳۸۳).

مرحله دوم: شکل‌گیری طرح معماری

بنابر آنچه اشاره شد، نفس ناطقه انسان در شروع فرایند خلق آثار معماری به وسیله قوه متصرفه با مراجعه به خزانه معنا و صورت فراهم‌شده در نفس خود، ایده اولیه‌ای برای خلق فضای معماری در قوه خیال خود می‌آفریند که این ایده نیاز به بسط و تکمیل برای رسیدن به طرح معماری (صورت مجازی آثار) خواهد داشت. در این مرحله از فرایند، معمار سعی می‌کند ایده معماری خود را با توجه به مخاطب و نیازهای او، بستر قرارگیری و شرایط زمانی و مکانی آن تکمیل کند. حال در این قسمت دو سؤال مهم مطرح می‌شود که عبارت‌اند از:

سؤال اول: انسان، که خالق و مخاطب آثار معماری است، چه ظرفیت‌ها و چه نیازهایی دارد و غایتی که برای آن خلق شده چیست؟

سؤال دوم: معمار چگونه معماری، اجزا و مقوله‌های سازنده آن را تعریف می‌کند؟
پاسخ به این سؤال‌ها برگرفته از مبانی نظری معمار درباره مقوله‌های انسان‌شناسی، خداشناسی و هستی‌شناسی است و این مبانی جهت‌دهنده فرایند خلق و ادراک آثار معماری خواهند بود.

• تعریف انسان، ظرفیت‌ها و نیازهای او براساس دیدگاه حکمت متعالیه

یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز مکاتب فکری تعریف آن‌ها از انسان و نیازهای او است. می‌توان گفت، از منظر اسلامی، انسان حقیقتی است که دارای مراتب گوناگون است و بدن چیزی جز مرتبه نازل نفس نیست. انسان برحسب فطرت و آفرینش خود جویای همه مراتب کمال (تا حد بی‌نهایت) است. نفس انسان «دارای مراتبی چهارگانه شامل نامی نباتی، حسی حیوانی، ناطقه قدسی و کلی الهی است و متناسب با آن دارای چهارگونه نیاز است که عبارت‌اند از: نیازهای مادی و فیزیولوژیک، نیازهای روانی در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی، نیازهای عقلانی و نیازهای عالی روحی (روحانی). این نیازها و نتایج پاسخ‌گویی به آن‌ها در جدول ۲ معرفی شده‌اند.

جدول ۲. مدل جامع از نیازهای انسان براساس دیدگاه اسلامی

مدل جامع از نیازهای انسان براساس دیدگاه اسلامی		
مرتبۀ نیاز انسان	نتیجه حاصل از پاسخ‌گویی به نیاز	نمونه‌هایی از نیازهای متناظر
نیازهای مادی و فیزیولوژیک	رشد و نمو	خوراک، پوشاک، مسکن، امنیت فیزیکی، غریزه جنسی
نیازهای روانی	خشنودی	نیازهای فردی و خانوادگی: شادی، آرامش، امنیت روانی؛ نیازهای اجتماعی: معاشرت، مبادله، تعاون، احترام، عزت نفس، محبت
نیازهای عقلانی	حکمت و نزاهت (تشخیص و درک خوبی‌ها و بدی‌ها، زیبایی‌ها و زشتی‌ها، خیر و شر)	حق‌جویی مانند شناخت واقعیت‌ها و حقایق، پی‌بردن به استعدادها بالقوه انسان، تکامل فردی، شناخت ماهیت خویشتن فراگیری علم فضیلت‌خواهی مانند: عدالت، حریت زیبایی‌طلبی
نیازهای روحانی	رضایت و تسلیم در برابر خداوند	پرستش و میل به حقیقت و زیبایی مطلق (ذات باری تعالی)

از آنجا که قابلیت‌هایی که معمار در خلق آثار خود ایجاد می‌کند همواره تحت تأثیر تعریف او از انسان و نیازهایش است، توجه به تمامی مراتب نفس و نیازهای چهارگانه انسان نقش مهمی در ارتقای کیفیت خلق آثار معماری خواهد داشت. مدل‌ها و طبقه‌بندی‌های ارائه‌شده از نیازهای انسان برای فرایند خلق و ادراک آثار معماری چهارچوب مناسبی را فراهم می‌آورند و هر قدر مدل ارائه‌شده از انسان کامل‌تر باشد، امکان خلق فضای معماری مناسب‌تری را فراهم می‌آورد (ر.ک.: تقدیر، ۱۳۹۳: ص ۲۱).

با توجه به تمرکز جهان امروز بر جنبهٔ مادی و حداکثر روانی حیات انسان و نیازهای متناظر با آن‌ها و تأثیری که این تفکر بر معماری جهان نهاده است، می‌توان با توجه به ساحات حیات و نیازهای مغفول‌ماندهٔ متناظر با آن‌ها در انسان گامی مؤثر در جهت‌دهی مناسب به فرایند خلق و ادراک آثار معماری برداشت و جهت شکل‌گیری این فرایند را به سمت وضعیت شایسته هدایت کرد.

• تعریف اجزا و مقوله‌های سازندهٔ معماری براساس دیدگاه حکمت متعالیه

از منظر این پژوهش براساس مطالعات صورت‌گرفته، یکی از روش‌های مناسب در معرفی اجزا و مقوله‌های سازندهٔ معماری استفاده از مقوله‌های فلسفی است و این رویکرد سابقهٔ بسیار طولانی در حوزهٔ معماری دارد (ر.ک.: کاپن، ۱۳۸۳).

براساس دیدگاه حکمت متعالیه، مقولات نه‌گانه هستند و عبارت‌اند از: این (مکان)، زمان، کم، کیف، اضافه، وضع، ان یُفعل، ان یُنفع، مُلک که مشابه همان مقولات نه‌گانهٔ ارسطویی هستند. اما از آنجا که در بیشتر پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزهٔ تبیین مقوله‌های معماری سعی شده است در جهت تسهیل فهم و کاربردی کردن این مقوله‌ها تعدادی از آن‌ها کاسته شود، در پژوهش حاضر نیز همسو با سایرین از شش مقولهٔ اصلی در تبیین مقوله‌های معماری استفاده شده است. در جدول ۳ مقوله‌های شش‌گانهٔ معماری در تناظر با مقوله‌های فلسفی معرفی شده‌اند.

جدول ۳. معرفی مقولات شش‌گانهٔ معماری در تناظر با مقولات فلسفی

مقوله‌های فلسفی	مقوله‌های معماری
کمیت	فرم (صورت، شکل، الگو، ساختار هندسی و غیره)
فعالیت	کاربرد (عملکرد، پاسخ‌گویی به نیازها، تأثیرات، تبادل و غیره)
کیفیت	معنا (محتوا، مفاهیم و غیره)
ماده	طرح و ساخت (مصالح، ساخت، و غیره)
رابطه	بافت و پیوستگی (رابطهٔ ساختمان با محیط طبیعی و مصنوعی)
اراده (فاعل بودن)	روحیه و اراده (نیت، انگیزه، دیدگاه سازندگان)

باید توجه داشت این‌ها مقوله‌های اجزای سازنده اثر معماری هستند و براساس مبانی حکمت متعالیه، معانی تجلی‌یافته در صورت‌ها در نهایت می‌خواهند شاکله معماری را در قالب این مقوله‌ها محقق کنند. زیرا موجودات در عالم ملک با این عوارض شناخته می‌شوند؛ از این‌رو، معانی و مفاهیمی که این مقوله‌ها با توجه به آن‌ها شکل می‌گیرند اهمیت بسزایی دارند. با این توصیفات می‌توان گفت برای خلق آثار معماری شایسته، دستیابی به معانی و مفاهیم متعالی و ظهور آن‌ها در مقوله‌های سازنده معماری با مدنظر قراردادن نیازهای چهارگانه انسان متناسب با امکانات و محدودیت‌های بستر طرح دغدغه اصلی نفس خلاق انسان خواهد بود.

• جایگاه بایدها و نبایدهای مکتب اعتقادی معمار و مخاطب

یکی دیگر از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل بر جهت‌دهی به فرایند خلق و ادراک آثار معماری و کیفیت بخشی به آن در مرحله تکمیل ایده، طراحی و آماده‌سازی طرح معماری و همچنین در اجرای آثار معماری، توجه به بایدها و نبایدهای مکتب اعتقادی معمار و مخاطب است که بنابر شالوده نظری این پژوهش جامع‌ترین مکاتب، مکاتب الهی و کامل‌ترین آن هم اسلام است؛ بنابراین، همان‌طور که در طول این پژوهش به مبانی نظری (حکمت نظری) مکتب اسلام تأکید شد و ساختار و فرایند خلق و ادراک آثار معماری بر پایه آن تبیین شد، در این مرحله نیز لازم است در کنار آن‌ها به حکمت عملی اسلام توجه شود. این بایدها و نبایدها در طیفی پنج مرحله‌ای به صورت مستحب، حلال، مباح، مکروه و حرام تعریف شده‌اند و طیف شمول آن شامل سه حوزه احکام،^۱ اخلاقیات و حقوق است.

در این مرحله تصمیم‌سازی صرفاً نباید بر مبنای مختصات موردنظر کارفرما، معمار و

۱. احکام، به مثابه یکی از سه بخش دین اسلام، در تقسیمات فقهای شیعه دارای دو قسم احکام اولی و احکام ثانوی است. «حکم اولیه حکمی است که بر افعال خداوند به لحاظ عناوین اولی آن‌ها بار می‌شود، مثل وجوب نماز صبح و حرمت نوشیدن شراب؛ حکم ثانویه حکمی است که بر موضوعی به وصف اضطرار، اکراه و دیگر عناوین عارضی بار می‌شود، مانند جواز افطار در ماه رمضان در مورد کسی که روزه برایش ضرر دارد یا موجب حرج است و سبب نام‌گذاری چنین حکمی به حکم ثانوی آن است که در طول حکم واقعی اولی قرار دارد». باید اشاره کرد تغییر حکم اولیه به حکم ثانویه متعلق به کسی است که در جامعه دارای ولایت است و این ولایت را خداوند به وی اعطا کرده است؛ از این‌رو، در جامعه اسلامی وضع احکام ثانویه در درجه اول متعلق به پیامبر گرامی اسلام و جانشینان به حق او یعنی ائمه (علیهم‌السلام) است و در عصر حاضر نیز، که عصر غیبت است، این حق متعلق به نواب عام امام زمان (علیه‌السلام) یعنی فقهاست و آن‌ها می‌توانند در موارد خاص، مانند آنچه در بالا ذکر کردیم، احکام ثانویه‌ای وضع و به جای احکام اولیه جاری کنند (مشکینی اردبیلی، ۱۳۴۸: ص ۱۲۱).

مخاطب آثار باشد، بلکه همان‌طور که اشاره شد، در نگرش اسلامی که نگرشی توحیدی به هستی است، دستگاهی که آثار معماری در آن خلق می‌شود دارای هدف متعالی است و بسیار وسیع تعریف می‌شود؛ به‌گونه‌ای که از یک طرف، تمام عوالم هستی (مراتب وجود) و از طرف دیگر، تمامی ساحت‌های وجود انسان و نیازهای چهارگانه او را فرامی‌گیرد و سعی می‌کند بستری برای حیات طیبه انسان و درنهایت، آماده‌سازی او به سوی هدف نهایی‌اش، که قرب الهی است، فراهم آورد. چنین نگرشی به دنبال خلق آثاری است تا در آن بستری فراهم شود تا هرچه بیشتر انسان‌ها را ترغیب کند که احکام دین را جاری کند و حقوق انسان در مقابل خدا، خود، خانواده، همسایه، هم‌محله و سایر انسان‌ها و جانداران، محیط زیست و غیره را به رسمیت بشمارد و اخلاقیات را در زندگی ساری و جاری کند. زیرا در مبانی اندیشه اسلامی عمران و آبادانی فضای زندگی انسان‌ها زمینه‌ساز ارتقای مرتبه وجودی انسان‌ها و احیای آن‌هاست (ر.ک.: تقدیر، ۱۳۹۳: ص ۱۵۸).

بنابر آنچه گفته شد، در این مرحله معمار به بسط ایده معماری می‌پردازد؛ یعنی ایده خود را با مدنظر قراردادن نیازهای مخاطب، مجموع شرایط زمانی و مکانی، احکام اولیه و ثانویه، اخلاقیات و حقوق اسلامی (به‌عنوان متغیرهای ثابت) در قالب مقوله‌های معماری شکل می‌دهد که عناصر سازنده اثر معماری اند (متغیر وابسته) و آن را به صورت طرح معماری (صورت مجازی اثر) آماده می‌کند.

مرحله سوم: ایجاد اثر مادی و محسوس معماری

بعد از تکمیل طرح معماری در قالب صورت مجازی اثر یا همان نقشه‌های آثار معماری، نوبت به ایجاد آثار معماری در عالم طبیعت می‌شود. در تمامی مراحل اجرای اثر معماری، معمار دو وظیفه مهم بر عهده دارد؛ وظیفه اول اینکه او باید مجموع شرایط زمانی و مکانی بستر اثر را کامل بشناسد و آن‌ها را مدنظر قرار دهد و وظیفه دوم توجه به بایدها و نبایدهای مکتب اسلام در حوزه احکام اولیه و ثانویه، اخلاقیات و حقوق است؛ بنابر آنچه شرح داده شد، به‌طور کلی فرایند خلق آثار معماری در سه مرحله اصلی شکل می‌گیرد که عبارت‌اند از: خلق ایده معماری، شکل‌گیری طرح معماری و ایجاد اثر مادی و محسوس معماری در عالم طبیعت. حال در ادامه به توضیح فرایند و مراحل ادراک آثار معماری پرداخته می‌شود.

مرحله چهارم: ادراک اثر معماری

فرایند ادراک اثر معماری زمانی شروع می‌شود که مخاطب در مواجهه با آثار معماری قرار می‌گیرد و شروع به تأویل و بازخوانی معنای نهفته در باطن آثار می‌کند. در این مرحله بار دیگر مهم‌ترین عامل در رمزگشایی مرتبه نفس انسان مخاطب می‌شود؛ زیرا همان‌طور که توضیح داده شد، انسان متناسب با مرتبه نفس خویش خزانه‌ای از معنا و صورت در نفسش پدید می‌آورد؛ بنابراین، هرچه خزانه غنی‌تر باشد، بازخوانی معانی باطنی آثار معماری برای مخاطب سهل‌تر و صحیح‌تر صورت می‌گیرد.

در اینجا بازخوانی یک رابطه می‌تواند در توضیح مراتب ادراک آثار معماری توسط مخاطب راهگشا باشد و آن توضیح رابطه میان هنرمند، آثار هنری و مخاطب است. یکی از مدل‌های کاربردی در این حوزه، براساس مبانی اسلامی، مدل هم‌زبانی نسبی میان هنرمند، آثار هنری و مخاطب است. این دیدگاه با طرح موجودیت فطری، ثابت و بالقوه انسان و پذیرش هویت بالفعل، متغیر و تربیت‌پذیر او، رابطه هنرمند، آثار هنری و مخاطب را تبیین می‌کند و مطرح می‌کند هنرمند و مخاطب ابتدا رابطه‌ای ذاتی و فرازمانی و مکانی دارند؛ چون فطرت انسانی مشترک دارند و در رابطه دیگر هر یک وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی خود و تحت تأثیر آن هستند که متغیر و تربیت‌پذیر است.

براساس نتایج به‌دست آمده از این پژوهش می‌توان مدل هم‌زبانی نسبی میان هنرمند، آثار هنری و مخاطب را با مبانی حاصل از حکمت متعالیه به‌گونه‌ای دیگر نیز تبیین کرد. آنچه این مدل بر آن تأکید دارد حول محور دو اصل است: اصل اول هم‌زبانی هنرمند و مخاطب به‌سبب رابطه فطری و ذاتی و فرازمانی و مکانی آنهاست و اصل دوم امکان وجود سطوح مختلف و متفاوت ادراک در هنرمند و مخاطب است.

براساس دستاوردهای این پژوهش گفته شد که مرتبه وجودی نفس انسان و خزانه معنا و صورت شکل‌گرفته در نفس او مهم‌ترین عامل در شکل‌دهی به فرایند خلق و ادراک آثار هنری، اعم از معماری و سایر هنرهاست و نفس ناطقه انسان مسئولیت این رمزگذاری و رمزگشایی را با تکیه بر آن انجام می‌دهد؛ بنابراین می‌توان این مدل را چنین توضیح داد که بخش هم‌زبانی معنایی از سطوحی از داده‌های خزانه صورت و معنا منشأ گرفته است که حاوی دریافتهایی مشترک از عوالم مافوق طبیعت و یا اشتراکات موجود در عالم طبیعت بوده‌اند و بخشی که سبب تفاوت ادراک در انسان‌ها شده است مربوط به آن دسته از صورت‌ها و معانی دریافت‌شده از عالم طبیعت (ملک) است که گهگاه در شرایط مختلف زمانی و مکانی ذخیره شده‌اند یا مربوط به آن دسته از معانی و صورت‌ها

هستند که به علت تفاوت مرتبه وجودی نفس انسان هنرمند و مخاطب، متفاوت از هم و متناسب با سطح تعامل آن‌ها با عوالم مافوق طبیعت در آن‌ها ذخیره شده است.

بنابراین، می‌توان گفت که از منظر مبانی اسلامی، کالبد یا متن اثر معماری نقش مهمی در تعامل میان انسان هنرمند و مخاطب بر عهده دارد و معانی از طریق صورت‌ها منتقل می‌شوند. البته باید توجه داشت برداشت‌هایی که از یک اثر معماری صورت می‌گیرد متناسب با مرتبه وجودی مخاطب و قدرت درک و فهم آن‌ها از صورت اثر، متناسب با خراشه معنا و صورت در نفس آن‌هاست و از این روست که «مراتب فهم اشخاص متفاوت است و در برخورد با حقایق، هر کسی می‌تواند فقط به اندازه فهم و میزان ادراک خود از آن‌ها بهره‌مند شود. باید توجه داشت که مراتب متفاوت یک حقیقت به وحدت آن لطمه وارد نمی‌کند و یک حقیقت می‌تواند تجلیات گوناگون داشته باشد» (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۹: ص ۲۰).

بر پایه آموزه‌های اسلامی، فهم‌های مخاطبان مختلف یک اثر [مبتنی بر ساحت‌های عقلانی و روحانی آن‌ها] در رابطه‌ای طولی و وحدت‌گرا قرار می‌گیرد، برخلاف رویکردهای معاصر غربی که از نظر آن‌ها این فهم‌ها، مجموعه‌ای وحدت‌گرایز و متکثر را تشکیل می‌دهند و در رابطه‌ای عرضی با هم قرار می‌دهند (رئیسی، ۱۳۹۲: ص ۸۴).

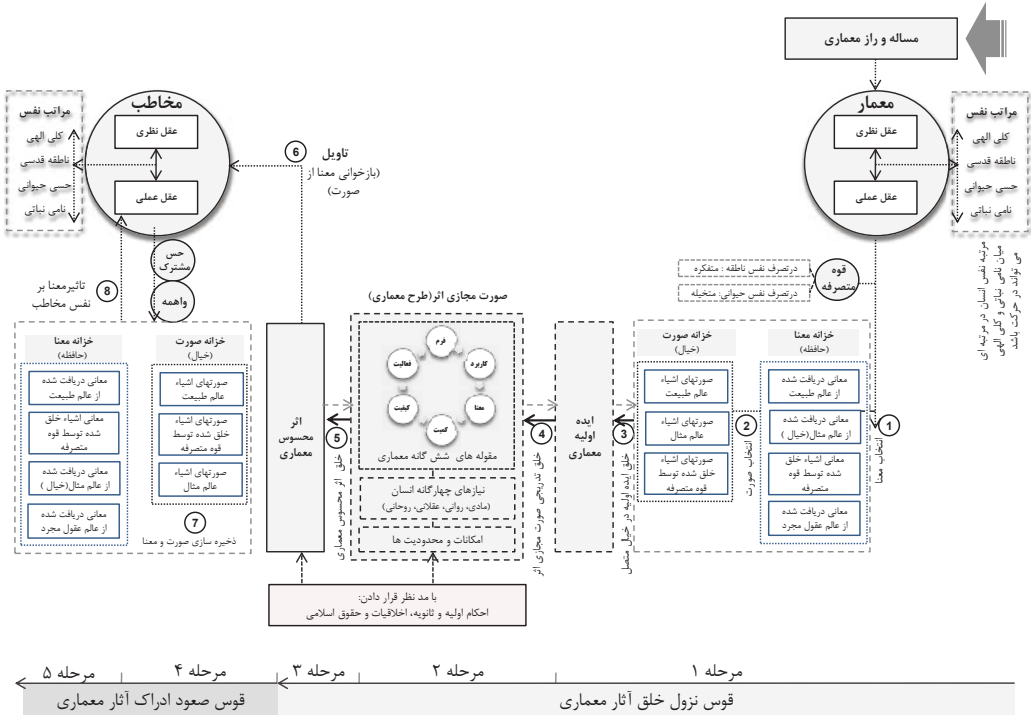
مرحله پنجم: تأثیر بر نفس مخاطب

باید اشاره کرد بعد از بازخوانی معانی نهفته در آثار معماری، نفس ناطقه با معنای بازخوانی شده مواجه می‌شود و این معنا سبب تغییر و تحول مرتبه نفس مخاطب می‌شود؛ به عبارتی، مخاطب با تمرکز بر روی شیء، قوای حسی و ادراکی خود را در جهتی خاص به فعلیت می‌رساند و وجود خویش را به تناسب ادراک برخاسته از شیء آفریده خود متحول می‌کند و نتیجه این ادراک بر مرتبه علم و عمل او تأثیر می‌گذارد.

باید توجه داشت که فرایند ادراک اولین بار در نفس معمار محقق می‌شود و خود او اولین مخاطب آثار خودش است و نفس او در مواجهه با آثار خلق شده توسط خود دچار تحول خواهد شد؛ زیرا فرایند خلق و ادراک آثار هنری فرایندی دوسویه از معنی به صورت و صورت به معنا خواهد بود.

بعد از شناخت مراحل و عوامل مؤثر بر کیفیت آن‌ها، نگارنده در این مرحله در راستای کمک به ارتقای کیفیت فرایند خلق و ادراک آثار معماری و بسترسازی جهت خلق آثار معماری شایسته، عوامل مؤثر بر کیفیت این فرایند را - که به تفصیل در این بخش معرفی شدند - بر ساختار مبسوط

ارائه شده از این فرایند و مراحل آن (نمودار ۳) بازتاب داده و مدلی پیشنهادی برای جهت‌دهی به تحقق این فرایند در قالب نمودار ۵ ارائه کرده است.



نمودار ۵. مدل پیشنهادی برای جهت‌دهی به فرایند خلق و ادراک آثار معماری برای دستیابی به آثار معماری شایسته براساس مبانی حکمت متعالیه

باید توجه داشت که ساختار ارائه شده در نمودار ۳ در حقیقت بازخوانی ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری براساس مبانی حکمت متعالیه است و هر انسان معماری خودش غایت و کیفیت این فرایند را مشخص می‌کند، اما ساختاری که در قالب نمودار ۵ معرفی شده است فرایندی جهت‌دهی شده به سمت به‌کارگیری مبانی اسلامی در محتوای این فرایند است.

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌ها و نتایج این پژوهش می‌توان گفت:

- کیفیت فرایند خلق و ادراک آثار معماری تحت تأثیر مستقیم مرتبه نفس معمار است که براین حاصل از تعامل علم و عمل او یا همان عقل نظری و عملی در او است.
- فرایند خلق و ادراک آثار معماری مانند سایر افعال انسان دارای جهت است که این

جهت‌گیری وابسته به مرتبه نفس معمار در شروع شکل‌گیری این فرایند است. اگر قوه متصرفه در اختیار نفس ناطقه انسان و عقل او باشد، این فرایند جهت قرب الی الله خواهد داشت و اگر قوه متصرفه در اختیار نفس حیوانی و وهم باشد، این فرایند در جهت غفلت از خدا تحقق می‌یابد.

- مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت اثر معماری عبارت‌اند از:

- مرتبه نفس معمار و انگیزه او از خلق اثر،
- سطح تعامل معمار با عوالم هستی،
- خزانه صورت و معنا در نفس معمار،
- تعریف معمار از مقوله‌های سازنده معماری،
- تعریف معمار از انسان، قوا و نیازهای او،
- میزان توجه به بایدها و نبایدهای مکتب اعتقادی معمار و مخاطب،
- استعدادهای ذاتی معمار،
- میزان آشنایی معمار با مهارت‌های بیان در معماری،
- میزان تجربه و آشنایی معمار با آثار برگزیده معماری.

- از منظر حکمت متعالیه، هستی دارای اصول و مبادی است و قوانین تحقق افعال و خلق آثار انسانی خارج از قوانین هستی نیست. بر این اساس، فرایند خلق و ادراک آثار معماری نیز مطابق با اصول و مبادی هستی است؛ از این رو، در راستای بازخوانی ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری، بهترین فرایندی که انسان می‌تواند از آن الگوگیری کند فرایند خلق عالم هستی است و بهترین روش در راستای ارتقای محتوای این فرایند مراجعه به غنی‌ترین منبع معنا یعنی اسماء و صفات الهی و تلاش برای ادراک و احصای این معانی است.

- براساس مطالعات صورت‌گرفته در این پژوهش، ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری از پنج مرحله اصلی تشکیل شده است.

در مرحله اول معمار در مواجهه با مسئله معماری، با به خدمت درآوردن قوه متصرفه، به خزانه صورت و معنا مراجعه می‌کند تا ایده خود را به صورت مثالی در خیال خود ترسیم کند. در مرحله دوم معمار این ایده را با مدنظر قراردادن نیازهای مخاطب متناسب با امکانات و محدودیت‌های بستر طرح و با کمک مقوله‌های سازنده معماری در قالب یک طرح معماری (صورت مجازی اثر) بسط می‌دهد و در مرحله سوم این طرح را با توجه به شرایط بستر طرح، به صورت اثری محسوس ایجاد می‌کند. در مرحله چهارم این اثر مورد ادراک مخاطب اثر، که اولین آن خود خالق اثر است،

قرار می‌گیرد و سیری از ظاهر به باطن طی می‌شود تا معانی نهفته در اثر معماری دریافت شود و درنهایت، نفس مخاطب تحت تأثیر معنای دریافت‌شده از آن قرار می‌گیرد.

- ارکان اصلی سازنده این ساختار عبارت‌اند از: مرتبهٔ نفس معمار و مخاطب، قوای ظاهری (بینایی، بویایی، شنوایی، چشایی و لامسه) و قوای باطنی (قوهٔ متصرفه، خیال یا همان خزانهٔ صورت)، حافظه یا همان خزانهٔ معنا، حس مشترک و واومه) در معمار و مخاطب، مقوله‌های سازندهٔ معماری، نیازهای انسان، امکانات و محدودیت‌های بستر طرح متناسب با مجموع شرایط زمانی و مکانی.

کتابنامه

۱. آشتیانی، سید جلال‌الدین. ۱۳۸۰. شرح حال و آرای فلسفی ملاصدرا. قم: حوزه علمیه قم.
۲. ابراهیمی دینانی، غلامحسین. ۱۳۷۹. شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی. تهران: انتشارات حکمت.
۳. _____ ۱۳۸۱. «ادراک خیالی و هنر». فصلنامه خیال. شماره ۲. تهران: فرهنگستان هنر.
۴. اخلاصی، احمد؛ علی‌آبادی، محمد؛ خواجوی، علی. ۱۳۹۰. «تبيين فرایند آفرینش‌های هنری بر مبنای حکمت و فلسفه اسلامی». همایش معماری و شهرسازی اسلامی. تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز. صص ۱۱۴-۱۱۳.
۵. اردلان، نادر؛ بختیار، لاله. ۱۳۸۰. حس وحدت. ترجمه حمید شاهرخ. تهران: انتشارات خاک.
۶. ارشد ریاحی، علی؛ واسعی، صفیه. ۱۳۹۰. «ارتباط مراتب وجود با مراتب ادراک از نظر ملاصدرا». مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام. سال چهل و سوم. شماره ۸۶ (۲). صص ۴۵-۹.
۷. اعوانی، غلامرضا. ۱۳۹۰. «پیوند معماری سنتی با حکمت». سید حسین امامی. <http://www.ettelaathekmatvamarefat.com>. 4/10/1390
۸. اکبریان، رضا. ۱۳۸۸. «قوة خیال و عالم صور خیالی». آموزه‌های فلسفی-کلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی. شماره ۸. صص ۳۲-۳.
۹. بلخاری قهی، حسن. ۱۳۸۴. مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی. دفتر دوم؛ کیمیای خیال. تهران: نشر سوره مهر.
۱۰. تقدیر، سمانه. ۱۳۹۳. «ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه». پایان‌نامه دکتری. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۱. _____ ۱۳۹۶. «تبيين مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه». فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی. شماره ۱۴. صص ۶۷-۴۸.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶. منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. تنظیم احمد واعظی. قم: نشر اسراء. چاپ چهارم.
۱۳. حسن‌زاده آملی، حسن. ۱۳۸۰. عیون، مسائل نفس و شرح آن. جلد ۱ و ۲. ترجمه ابراهیم احمدیان و سید مصطفی بابایی. قم: نشر بکا.

۱۴. _____ . ۱۳۸۲. معرفت نفس. جلد ۱ و ۳. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ هشتم.
۱۵. _____ . ۱۳۸۶. صد کلمه در معرفت نفس. قم: نشر قیام.
۱۶. خاکی قصر، آزاده. ۱۳۹۱. «انکشاف موضوع نظم در معماری به مثابه یکی از مظاهر کیفیت». نشریه شهر و معماری بومی. شماره ۲. صص ۸۰-۶۳.
۱۷. خواجهی، علی؛ کبودی، مهدی؛ اخلاصی، احمد. ۱۳۸۹. «تبیین خلاقیت هنری براساس کلیات حکمت و فلسفه اسلامی». فصلنامه حکمت و فلسفه. شماره ۳. صص ۲۸۳-۲۴۳.
۱۸. خواجهی، محمد. ۱۳۸۰. ترجمه اسفار. تهران: انتشارات مولی. چاپ اول.
۱۹. خیراللهی، مهران. ۱۳۸۹. «ماهیت خلاقیت در فرایند طراحی معماری». پایان نامه دکتری. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
۲۰. رنجبر کرمانی، علی محمد. ۱۳۸۸. «روش سامانه‌ای در طراحی معماری در پرتو بینش اسلامی». پایان نامه دکتری. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۱. رئیس سمیعی، محمد مهدی. ۱۳۸۲. «تأویل و کاربرد نظریه مراتب وجود در معماری». مجموعه مقالات همایش بزرگداشت حکیم صدرالمتالهین. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدر. چاپ اول.
۲۲. رئیس، محمدمتان. ۱۳۹۲. «معناشناسی در آثار معماری برای ارتقای طراحی مساجد». پایان نامه دکتری. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۳. صادق‌زاده قمصری، علیرضا. ۱۳۹۰. «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران». تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین. بی‌تا. «نرم‌افزار نورالانوار؛ التفسیر المیزان». جلد ۱ و ۱۶. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۲۵. عظیمی، مریم. ۱۳۹۲. «روش طراحی معنا، خیال، معماری با بهره‌گیری از تفکر ناخودآگاه در معماری». پایان نامه دکتری. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۶. کاپن، دیویداسمیت. ۱۳۸۳. تئوری‌های معماری. ترجمه علی یاران. جلد ۱ و ۲. تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی. چاپ اول.
۲۷. لاسون، برایان. ۱۳۸۴. طراحان چگونه می‌اندیشند؛ ابهام‌زدایی از فرایند طراحی. تهران: دانشگاه بهشتی.

۲۸. لنگ، جان. ۱۳۹۰. آفرینش نظریه معماری. ترجمه علیرضا عینی فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
۲۹. مشکینی اردبیلی، علی. ۱۳۴۸. اصطلاحات الاصول. قم: انتشارات حکمت.
۳۰. نامور مطلق، بهمن. ۱۳۸۴. «تخیل و خلاقیت هنری». مقالات اولین هم‌اندیشی تخیل هنری. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر. صص ۲۱۷-۱۹۳.
۳۱. ندیمی، هادی. ۱۳۷۵. هنر و معنویت اسلامی. ترجمه رحیم قاسمیان. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
۳۲. _____ . ۱۳۸۰. «بهاء حقیقت مدخلی بر زیبایی‌شناسی معماری اسلامی». صفه. شماره ۳۳. صص ۴۷-۵۷.
۳۳. نصر، سیدحسین. ۱۳۷۵. هنر و معنویت اسلامی. ترجمه رحیم قاسمیان. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
۳۴. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. تهران: انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی
۳۵. _____ . ۱۳۹۰. رساله نظریه‌پردازی در محوریت تعامل انسان با ایده‌های فضایی-هندسی در معماری.
۳۶. نقره‌کار، عبدالحمید؛ تقدیر، سمانه. ۱۳۹۳. «بررسی قابلیت‌های فضای معماری جهت ایجاد بستر پاسخ‌گویی به نیازهای انسان از منظر اسلام (نمونه موردی خانه‌های زینت‌الملک شیراز و بروجردی‌های کاشان)». فصلنامه علمی-پژوهشی شهر ایرانی-اسلامی. شماره ۱۵. بهار.
۳۷. نقره‌کار، عبدالحمید؛ مظفر، فرهنگ؛ تقدیر، سمانه. ۱۳۹۶. «تناظر انسان و هستی در اندیشه اسلامی و بازتاب آن در معماری اسلامی». فصلنامه علمی-پژوهشی آرمان شهر. شماره ۱۹. تابستان. صص ۱۱۹-۱۰۵.

38. Casakin,H.2008 . **Factors of Design Problem-Solving and their Contribution to Creativity**. Open House International 33(1):46-60.
39. Cross,N.1984. **Developments in Design Methodology Hardcover**. Wiley-Blackwell press.